



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۳/۲۵

دوکتور صلاح الدین سعیدی

انتخابات زود هنگام یا تبدیل بحران به فرصت؟

خوشوقتیم که از مدت در حدود دوسال با استفاده از تمام فرصت ها و مناسبت های مختلف تأکید داشتیم، مستدل بیان کردن و از تجارب درکشور های مختلف و عدالت نسبی بیان داشتیم که انتخابات زود هنگام و یا قبل از وقت یک راه حل ممکن نسبتاً عادلانه بیرون رفت و پرگمتیک (انتخاب بدی کم) از بحران امروز کشور ماست. انتخابات زود هنگام ریاست جمهوری و پارلمانی و آن هم هر دو دریک وقت کم کردن مصرف و دادن فرصت برای ظاهر شدن در سنیج سیاسی کشور برای تمام نیرو های سیاسی جامعه از طریق متمدن و ممکن خوب بشری است. برماست تمام تشویش و تجارب بد درین راستا را که وجود داشت در چوکات مذاکرات سیاسی حل کرد و حل آن در صورت مساعدت جامعه جهانی ممکن است. این تلاش نیاید به انتقال قدرت توسط حاکمیت به خود حاکمیت و نه هم عدم شفافیت و نه هم عدم قانونیت را اجازه ده. این همه در صورت عزم جامعه جهانی و عزم ملت و در توافق مذاکرات سیاسی و تعهد به بازی کردن رول در چوکات قاعده قبلاً توافق شده در چوکات مذاکرات سیاسی ممکن است. انتخابات نتیجه نه خواهد اگر صندوق، ماشین چاپ، عسکر، ادارات امنیت برای انتخابات و کمیسون انتخابات به فرمایش یک جانب تنظیم شده و قواعد روشن و تجارب کشور های جهان از جمله تجارب مثلاً انتخابات هند مراعات نه شود.

برماست تا با تعهدیکه به ملت افغان، امر صلح و خیر داریم منطقه و جهان داریم، با درایت ازین وضع بحرانی در کشور فرصت ساخته و بدون طی کردن راه های انقلابی که سبب تعطیل قوانین و سکت در آن میشود در امر خیر به مردم خود و امر صلح منطقه و جهان کمک کنیم. حکومت عبوری، انتقالی، شراکتی، جورآمد در عمل اگر خواسته باشیم و یا نه، سبب تعلیق قوانین، تعلیق نظام و سقوط نهادها، بی مورال ساختن مدافعین بند ها و پُل ها، فرار سرمایه و فرارکادرها خواهد شد که نیاید این ظلم را روا داشت و سبب به هدر دادن راه پیموده شده بیست ساله در افغانستان شویم. راهیکه نتیجه آن دریک قلم بند کمال خان و بیشتر از 500 هزار کادر و تحصیل کرده نسل نو است. راه پیموده شده به قیمت و مصارف گزاف و نتایج ملموس کم را هم باید حفظ کرد. افغانستان امروز دیگر افغانستان زمان بن اول نیست که آن هم با وجود توجیه در مقطع زمانی معین که چیز از هم پاشیده بود، دیگر به هیچ صورت بازگش به قبل توجیه و راه حل نیست.

تهدید به اینکه در کنفرانس صلح قریب الوقع ترکیه دیگران برای ما خطوط را ترسیم خواهند کرد که سبب تعجب حاکمیت افغان، طالبان و ملت افغان خواهد شده قبل از همه راه را به ناکامی مفتضح بیشتر جامعه جهانی و ادامه تراژی ملت افغان برابر خواهد کرد که در آن صورت جهان با مرور کوتاه زمانی تاوان های بزرگتر خواهد پرداخت. بلی این روش را که سبب تعجب کابل، طالبان و مردم افغانستان در کل شود ممکن کدام راه کوتاه رسیدن به اهداف امریکایی باشد اما این روش را به جهان و جانب امریکایی به صورت قطع سفارش نمی کنم. هر حاکمیتیکه که از بیرون برما افغانها تحمل شود و در مورد ما بدون ما با نسخه های غیر منطبق به علم جامعه شناسی، غیر منطبق به شرایط ما و غیر منطبق به شرایط مثبت بشری و غیر منطبق به عدالت شود به یقین سبب تباهی و ادامه جنگ و وحشت در افغانستان خواهد شد و جهان ازین ناحیه سخت متضرر نیز خواهد شد. بشریت در قرن حاضر همین مرجع مشروعیت حاکمیت از اراده ملت را دارد آنرا نمی توان با شف شف ها ماستمالی کرد. طالب نه گفته که مرجع مشروعیت حاکمیت ملی، قوی اسلامی که خواست من ملت مسلمان است، از کدام مرجع مشروعیت روی کار میکند. طالب به شورای حل و عقد تکیه دارد که در آن صورت ممکن است ساختن آنرا چرا به خود محول میکند و چرا صلاحیت آنرا مثلاً به کدام مرجع غیر از طالب نمی دهد. طالب میتواند رهبر و مفتی! اعظم خود را مانند هر حزب و سازمان سیاسی دینی داشته باشد که در مورد مشکل وجود ندارد. اما چرا باید مفتی وی حتماً مفتی من باشد؟

در کشور ما فرصت های زیادی با تأکيدات نادرست ضایع شد و تلاشهای زیاد از هموطنان آگاه درین راستا به موقع گوش شنوا نه یافت، لذا سبب ادامه خونریزی و تباهی های المناک در افغانستان شد. یکی از آن همین انتخابات قبل

از وقت و زود هنگام با آمادگی های لازم و رفع تشویش های موجود در مورد آن که همه تشویش های مطرح راه حل معقول دارند.

مکرراً و سالها مستدل ارایه کردیم که برای رسیدن و آوردن صلح مثبت و استقرار ضرورت به مذاکرات سیاسی و تفاهم بین الافغانی است و باید به آن رفت. اما زورمندان زمانیکه در جبهه جنگ دست شان بالا بود اصلاً آنرا نمی پذیرفتند و حتی بر ما اتهام وابسته بودن به این و آن حرکت سیاسی بستند. تأکید داشتند که دشمن تروریست است و ما با تروریست به مذاکره نمی نشینیم. بعد زمانیکه در عمل ثابت شد که سیاسیت نفیه و خود را مالک کل و عقل کل بودن، ممکن نیست و به ضرورت مذاکرات سیاسی رسیدند باز هم سالها به وجود یک سلسله پیش شرط ها برای مذاکرات سیاسی تأکید داشتند و مذاکرات را بدون پیش شرط های قبول نداشتند. قانون اساسی ما. برادر قانون اساسی را شما ساختید و مبارک تان، قانون اساسی من نیست و این استدلال مخالفین منطق داشت.

بعد تأکید داشتند به هر چیزی در مذاکرات توافق میکنند، بکنند، اما این توافق را بعد در لویه جرگه تصویب و یا رد خواهیم کرد. در حالیکه محض توافق نهایی بر ارزش های که حق ملت است در چوکات مذاکرات سیاسی بحث و توافق در محل و مرجع نادرست است. تصویب این توافقات در لویه جرگه و یا رد آن به جز به ضیاع وقت به چیزی دیگر نمی انجامید و مشروعیت لازم به علل مختلف نداشت و ندارد.

بارها باز توضیح و تشریح متداوم کردیم که افغانستان دیگر در قرن بیست و یکم است و اتوریته های طبیعی اشتراک در جرگه که در قرون سابقه وجود داشت، دیگر در افغانستان در عمل از هم پاشید و عادلانه نیستند. در افغانستان کادر های قابل توجه و استعداد های زیادی تربیه شده و اصول مشروعیت قرن حاضر نه در تجارت قومی و نه سمتی و به رنگ و نه زبان است. چاق کردن این جوانب ممکن برای حاکمیت های خارجی و مقاصد شوم شان کار را آسان کند، که کرده هم است اما اصل اصل تابعیت و شهروندی و یک شخص یکی رأی اساس کار است.

لویه جرگه های عنعنوی، تاریخی، مشورتی و ... دیگر مرجع مشروعیت تطبیق نسخه ها نیستند. ما صرف همان لویه جرگه را مرجع مشروعیت بخش از ارزشها میدانیم که به گونه در قانون پیش بینی شده و تعریف شده در قانون اساسی افغانستان مشخص تعریف شده و چنان لویه جرگه ضرورت به آمادگی لازم قبلی دارد که برای آن باید کار صورت گیرد. رئیس جمهور برای اعمال صلاحیت های خود میتواند با یک نفر و یا با صد تن مشوره کند (ماده 65 قانون اساسی) اما برای ما مرجع مشروعیت و جوابگو این افراد نه، بلکه تصمیم رئیس جمهور کشور است.

ما به سفید و سیاه و خطوط سرخ و سفید احزاب، سازمانها و اطراف نشست مذاکره سیاسی کار نداریم. سفید و سیاه و خط سرخ و سفید هرکس مبارک شان. ایشان حق و وظیفه خواهند داشت منطق صحت و درست بودن آنرا به ملت جهت انتخاب تقدیم کنند ولی ضرورت و درست نیست که در چوکات مذاکرات سیاسی آنرا بر دیگران در فیصله های دوحه، مسکو، ترکیه و یا ... تحمیل کنند. مذاکرات سیاسی به این مفهوم بی هویت سازی و تحمیل عقاید بریکدیگر نیست. بلی صحت و سقم افکار و نسخه های خود را به ملت مستدل سازید، و در چوکات مذاکرات سیاسی از جانب مقابل را به تسلیمی وادار نه کند و نخواهد و نه تلاش کنید که جانب مقابل بیایند تحت ترحم و شفقت شما در چوکات و سایه تفنگ شما، قواعد که شما تعیین کرده اید، کار کنند. این قابل قبول نیست که تفنگ با شما، وزارت داخله با شما و امنیت با شما، صندوق با کمیسیون با شما و دیگران بیایند تحت ترحم و خط کشی شما خود را عیار سازند. نه این نمی شود. و این حالت باز هم سبب طولانی شدن تراژیدی ملت افغان خواهد بود که شد. مطمئن ام و باید مطمئن شوم که حاکمیت قصد چنین فریب و خدعه را ندارد و اگر با بد گمانی داشته باشد، هم با تدابیر مشخص و تحت نظر جامعه جهانی و برخورد مسلکی تجربه شده مهار شود و این ممکن است.

در دوحه - قطر مذاکرات سیاسی بین امریکا و بخش از حرکت طالب مطرح شد و به ابعاد جهانی، منطقی، داخلی و در داخلی افغانستان، به فکتور منفی قدرت طلبان حریص، مافیای مواد مخدره، تاجران قوم و سمت به صورت درست در نظر گرفته و توجه نه شد. **در نظر گرفتن و توجه به معنای تمکین به خواستهای نامشروع شان نیست و بوده نمی تواند.** آنکه آب، چوب، درخت، معدن، سرک و انسان من به مفت و رایگان به نفع خود در سوریه و یمن و ... انفجار و انتحار و سقوط بند ها و آبهای مهار شده افغان بکار میبرد چگونه با اجماع خود برای من صلح و استقرار هدیه خواهد کرد؟ ایشان در جنگ و تباهی مردم من همه چیز را رایگان بردند و از جهان جزیه هم گرفتند. ایشان به صلح با عزت و استقرار افغانستان چطور راضی خواهند شد که با اجماع خود برای افغانستان صلح و استقرار هدیه کند؟ چنین خواست و چنین تمکین خطاء و نادرست است.

اگر جامعه جهانی و منطقه، تمام افراد و حلقات مطرح که بالا از ایشان یاد آوری کردم نباید بحیث تقسیم کننده منافع و تقسیم کیک به نفع خویش فرصت داشته باشند. کار تقسیم کیک کار و حق ایشان نیست. **کار تقسیم نهایی ارزش و نوع حکومتداری و حکمیت و مشروعیت نسخه و حاکمیت کار ملت افغان است.** نشست های دوحه - قطر، مسکو، ناتو، پینتاگون، همسایه و ترکیه صرف و صرف زمینه ساز، تسهیل کننده و ممد تصمیم ملت افغان شده میتوانند و پس. بالاتر این صدور و نصب هر نوع حاکمیت و تصمیم نهایی عوض ملت افغان و افغانها نه مشروع است و نه هم راه حل.

توافقات بس طولانی دوحه (۲۸ فیبروری ۲۰۲۰) بین یک گروه از حرکت طالب با جانب امریکایی نشان داد که جانب امریکا به تعهدات خود با حاکمیت افغانی بی توجه بود. وعده ها و تعهدات که یا توافق به همه و یا توافق به

هیچ را فراموش کردند. در عمل مذاکرات افغانی صورت نه گرفت و مشترکات سازمان های تروریستی در جبهات جنگ با حرکت طالب کما کان باقی است. بلی جانب امریکایی قبل از همه به حفاظت منافع خود متوجه و متمرکز شد. به صورت صریح به منافع و مصالح افغان معامله شد. سرباز افغان کشته شود باک ندارد ولی سرباز خارجی باید در امان باشد. در داخل افغانستان سرحدات پاکستانی وسیم خاردار و دروازه ها و کوچ دادن افغانان از مناطق بین افغانستان و پاکستان، با راکت بارانی های پاکستان و حتی به مصارف امریکا و سکوت حکومت افغانستان تحمیل شد. ما خوشوقتیم که انسان کشته نه شود اما باید به تعهدات خویش بخاطر هم صادقانه باقی میماندن و این قبل از همه به خاطر این هم که افغانها در چهل سال گذشته برای امنیت جهان و مبارزه علیه رژیم ها و افکار توتالیته و استبدادی مبارزه کرده و در جنگ امریکا و شوروی علیه شوروی به نفع جهان استعمال شدند. حال که مبارزه جهانی علیه ترور و دهشت است، افغانها کماکان علیه ترور و دهشت جنگاننده میشوند و دارند که قربانی اختلافات هند و پاکستان، ایران و امریکا، امریکا و روسها و چینهایی میشوند. افغانهای برای حکومتات و خانواده های متحابه امریکا در کشور های عربی و کم کردن فشار علیه آنها به میدان مسابقات جهادی بخش از مجاهدین کشور های عربی و عربستان سعودی مبدل شدند. بلی افغانها برای امنیت ایشان و مصون شدن حکومتات حکام حکومتات کشور های عربی نفت خیز و جریان عادی تجارت نفت ایشان قربانی شدند و قربانی میدهند.

حال که وضع چنین است و ما به اینجا رسیدیم راه حل چیست؟

راه حل ممکن درعالم اسباب نه حکومت انتقالی و نه عبوری و نه مشارکتی و نه مؤقت و بلکه بهترین، مؤثرین و حتی یگانه راه حل درست، اتحاد و اتفاق تمام انسانان خیر اندیش و افغان بادرایت است تا ازین حالت بحران را به فرصت مبدل سازند و افغانستان را به عقب (دوران کنفرانس بن) سوق نه داده بلکه به پیش ببرند. و این در قرن بیست و یکم همین انتخابات و انتخاب زود هنگام ملت تحت قواعد روشن توافق شده در مذاکرات سیاسی و تحت نظر سازمان ملل متحد و حضور جامعه جهان مانند تسهیل کننده و ممد مالی پروسه. درین راه خطوط سرخ طالب و حاکمیت اسلامی مانند پیش شرط به غیر انتخاب ملت برای خود شان وجود خواهد داشت که حق شان است ولی تحمیل آن بر دیگران و یا تحمیل خطوط سرخ حکومت بر طالب وجود ندارد و نباید وجود داشته باشد. استدلال اینکه انتخابات نتیجه نداد، تقلب بود، تقلب شد، جان گیری حل کند، حکومتات مشارکتی و مصلحتی و تقلب، کمیسیون و نظارت درست نبود و این همه تشویش ها باید از قبل مطرح در مورد توافق صورت گرفته و فرصت برای سوء استفاده بعدی باید از همین حالا منتفی شود و این ممکن است اگر کار به اهل کار سپرده شود و فرصت داده شود مردم افغانستان این قواعد را تنظیم و جهان از آن نظارت کند که متخلف را از جامعه و جهان تجرید و یا به به جایش بنشانند. به استدلال بجا و قابل قبول باید جواب درست پیدا کرد و مانع تشویش های مطروحه شد. تشویش های ارایه شده منطق غلط بودن انتخابات زود هنگام، شفاف و روشن را منتفی کرده نمی تواند و نباید بکند. بشریت غیر از انتخابات چیزی دیگری نسبتاً عادلانه ندارد و همین را دارد. بلی اگر به انتخابات بدون امدادگی لازم و بدون تفاهات قبلی لازم سیاسی و بدون مذاکرات سیاسی که یک جانب همه چیز را در اختیار داشته باشد و دیگری بیاید تحت ترحم و تفقد جانب دیگر کار کند و تذکره الکترونیکی وجود نداشته باشد و نتایج بد، منفی و نادرست خواهد بود و قابل قبول نیستند.

اما باید از بحران فرصت ساخت!

به مذاکرات سیاسی همه جانبه به ترکیه و هر جای دیگر رفت و قبول کرد که انتخابات و در شرایط ما انتخابات سراسری ریاست جمهوری و پارلمان قبل از وقت و زود هنگام راه حل اساسی و درست است. دوم در چوکات مذاکرات سیاسی خطوط سرخ هر جانب مبارکش و منطق آنرا در انتخابات به ملت پیشکش خواهد کرد. حاکمیت افغان، حرکت طالب، امریکا و سایر سازمانها و ارزشها حق ندارند که مشروعیت نسخه های خود را در چوکات مذاکرات سیاسی مطرح ولی مشروعیت تطبیق آن از ملت گرفته شود. جامعه جهانی تحت نظر سازمان ملل متحد برنامه های تودیع تذکره ای الکترونیک و قواعد بازی و انتخابات را به طور تنظیم کنند که منجر به انتخابات آزاد و شفاف در چوکات قواعد قبول شده در مذاکرات سیاسی شود و تمام جوانب از قبل تعهد کنند که ضرورت به جان گیری نیست و ما نتایج را قبول خواهیم. توافق به ارزشهای دیگر غیر از انتخابات را با خطوط سرخ و سفید خود اطراف بحث با اطراف نشست، با احزاب و حرکات سیاسی جهت اتحاد و انیتلاف های سیاسی در مبارزات انتخاباتی مطرح کرده میتوانند که برنده انتخابات شوند اما در چوکات مذاکرات سیاسی آنرا بر کل ملت تحمیل کرده نمی توانند. تفاوت در بخش از ارزشها بدان معنا نیست که این نسخه و اعتقاد شان براین و یا آن ارزش خطاء است و یا نادرست. در جوامع مختلف احزاب و سازمانها برای مسایل مختلف جامعه نسخه و برنامه دارند و این برنامه ها و نسخه یک نه بلکه متعدد میباشند و این کاملاً قابل درک و نورمال هم است. لذا یکبار دیگر تأکید داریم که حتمی نیست که حاکمیت افغان یک اجماع همه را بر تمام مسایل داشته و یا در کنفرانس های مختلف مسکو، ترکیه و دوحه باید با اجماع بروند اما اجماع بر قواعد کار زار انتخاباتی قبل از وقت و زود

هنگام ضرورت است. اگر این خواست معقول را افراد و حلقات زور گو نظام براندازه و خرابکار قبول ندارند در آن صورت همه اطراف خیر خواه قضیه علیه شان متحد عمل متناسب کنند.

اگر ما این قواعد و این اساسات را مراعات نه کنیم ما به صلح با عزت و استقرار لازم رسیده نه خواهیم توانست و تحمیل افکار و حکومت دیگران بر ما کار خطاء و راه حل مشکل و معضل نیست.

و ما علینا الا البلاغ المبین

۲۰۲۱/۳/۲۵

۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸

strategicstudies@yahoo.com